



## بررسی تطبیقی سیاست حقوق بشری ایران و عربستان با تأکید بر نظریه سازه‌انگاری\*



فاطمه نژادی فر\*\* - دکتر مهدی ذاکریان\*\*\* - دکتر پرویز احدی\*\*\*\*

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

حوزه مطالعات حقوق بشر، بر اساس یک مجموعه از مفاهیم مبتنی بر تحولات مفهومی و نظری مختلف، شکل گرفته است. مسأله حقوق بشر یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین موضوعات برای دو کشور ایران و عربستان در چند دهه اخیر بوده است. دو کشور ایران و عربستان سعودی، کشوری اسلامی هستند که در فضای بین‌الملل و ساختار حقوق بشری، تفاوت‌هایی در نوع نگاه آن‌ها به حقوق بشر با توجه به مبانی اسلامی وجود دارد. چنانچه می‌توان آن را متغیر مهم در تحولات روابط دو کشور با سازمان ملل، شورای حقوق بشر و قدرت‌های ملی و بین‌المللی دانست. سیاست حقوق بشری با توجه به تئوری سازه‌انگاری چه تفاوت‌هایی در حاکمیت ایران و عربستان ایجاد می‌کند؟ فرضیه مقاله عبارت است از اینکه سیاست حقوق بشری و مکانیسم‌های نظارتی آن در دو کشور ایران و عربستان تأثیر فراوانی در تغییر رفتار آنان در رعایت و پذیرش هنجارهای حقوق بشری داشته به طوری که با مقایسه‌ی وضعیت حقوق بشر در ایران و عربستان می‌توان به نقاط اشتراک و افتراق دو کشور دست یافت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نوع اقدامات دو کشور در قبال مسائل حقوق بشری نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران دیدگاهی بسیار منعطف‌تر نسبت به عربستان سعودی در قبال مسائل حقوق بشری داشته و این به دلیل نوع حکومت و نوع جامعه مدنی در این کشورها است.

### کلیدواژگان

حقوق بشر، سازه‌انگاری، عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران، مشروعیت

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری فاطمه نژادی فر با راهنمایی دکتر مهدی ذاکریان است.

\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

\*\*\* دانشیار عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل: [m-zakerian@srbiau.ac.ir](mailto:m-zakerian@srbiau.ac.ir)

\*\*\*\* استادیار عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

## مقدمه

مساله حقوق بشر یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین موضوعات برای دو کشور ایران و عربستان در چند دهه اخیر بوده است. دو کشور ایران و عربستان سعودی، کشوری اسلامی هستند که در فضای بین‌الملل و ساختار حقوق بشری، تفاوت‌هایی در نوع نگاه آن‌ها به حقوق بشر با توجه به مبانی اسلامی وجود دارد. چنانچه می‌توان آن را متغیر مهم در تحولات روابط دو کشور با سازمان ملل، شورای حقوق بشر و قدرت‌های ملی و بین‌المللی دانست.

درواقع این مسئله باعث شده است که برای هر دو کشور در سازمان‌های مختلف بین‌المللی و به خصوص سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر تضادهایی نسبت به آنچه در جامعه بین‌المللی به عنوان عرف پذیرفته شده است، به وجود بیاید. عربستان بر پایه نظام پادشاهی که داعیه ام‌القری اسلامی را دارد و ایران به‌عنوان نظام مبتنی بر اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه، بیش از سایر حاکمیت‌ها با چالش حقوق بشری مواجه شده‌اند.

مقاله پیش رو به مطالعه تطبیقی سیاست حقوق بشر در ایران و عربستان بر پایه‌ی مبانی تئوری سازه‌انگاری پرداخته و این پرسش اصلی را مطرح می‌سازد که سیاست حقوق بشری با توجه به تئوری سازه‌انگاری چه تفاوت‌هایی در حاکمیت ایران و عربستان ایجاد می‌کند؟ در پاسخ به سؤال فوق به نظر می‌رسد سیاست حقوق بشری و مکانیسم‌های نظارتی آن در دو کشور ایران و عربستان تأثیر فراوانی در تغییر رفتار آنان در رعایت و پذیرش هنجارهای حقوق بشری داشته به طوری که با مقایسه‌ی وضعیت حقوق بشر در ایران و عربستان می‌توان به نقاط اشتراک و افتراق دو کشور دست یافت. روش پژوهش موردنظر بر اساس ماهیت و روش در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، کتب و مقالات فارسی و انگلیسی زبان است.

## ۱- پیشینه پژوهش

طالبی و همکاران در مقاله‌ای با این عنوان «بررسی تطبیقی وضعیت حقوق بشر در ایران عربستان با تأکید بر تئوری‌های نوین حاکمیت»، حیطه حقوق بشر را در محدوده سیستم‌های نظارتی و تأثیرات آن بر حاکمیت ایران و عربستان با تأکید بر نظریه‌های جدید حاکمیتی بررسی کرده، وی اینگونه بیان می‌کند که حقوق بشر و مکانیسم‌های نظارتی آن تأثیر زیادی بر انعطاف و تغییر رفتار ایران و عربستان در رعایت و پذیرش هنجارهای حقوق بشر داشته و آنها را ناگزیر به همکاری با طیف وسیعی از بازیگران می‌کند.

در مقاله‌ای با عنوان «ایران و جهان‌شمولی قواعد بنیادین حقوق بشر»، مهدی ذاکریان به بررسی این موضوع پرداخته است که چگونه ایران می‌تواند در برابر فرایند جهان‌شمولی حقوق بشر، با رویکردی فرهنگی، قواعد بنیادین حقوق بشر را حمایت کند. برای بررسی این فرضیه، مواردی از جمله حق شرط و تفسیرهای بخصوص از حقوق بشر، گفت‌وگوهای نظری و دانشگاهی در حوزه جهان‌شمولی حقوق بشر، شکل‌گیری پیمان‌های حقوق بشر و مواضع ایران، اختلافات فرهنگی ایران و انواع مختلف جهان‌شمولی‌ها، نسبی‌گرایی فرهنگی و تأثیر فرهنگی بودن قواعد بنیادین حقوق بشر

بر آشتی بین نسبیّت‌گرایی و جهانشمولی حقوق بشر، بررسی می‌شوند. طالبی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تعاملات عربستان با شورای حقوق بشر» به بررسی تأثیر سازوکارهای نظارت و مکانیسم‌های اجرایی شورای حقوق بشر بر تغییر رفتار آل سعود نسبت به رعایت حقوق زنان در داخل مرزهای ملی، و همچنین در بررسی اینکه عربستان تا چه اندازه با ایده جهانشمولی حقوق بشر همخوانی دارد، پرداخته‌است. در ادامه وی معتقد بود که سازوکارهای نظارتی و مکانیسم‌های اجرایی شورای حقوق بشر، عربستان را ملزم به انجام اصلاحات حقوق بشری کرده است.

کتی کلارک<sup>۱</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق بشر: عربستان سعودی» با بررسی نظام سیاسی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی استدلال می‌کند که علیرغم تفاوت‌های ایران و عربستان در چارچوب حقوقی، آنها از یک سیستم دوگانه خاص برای ترکیب هنجارهای حقوق بشر پیروی می‌کنند که منجر به چالش‌های کاربردی آن می‌شود. حتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان از اعلامیه جهانی حقوق بشر به دلیل عدم توجه به زمینه‌های مذهبی کشورهای غیرغربی انتقاد می‌کنند.

الواصیل<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان «تعامل عربستان سعودی با سیستم حقوق بشر سازمان ملل متحد»، با بکارگیری مبانی همگرایی به تعاملات عربستان سعودی با شورای حقوق بشر پرداخته است. یافته‌های این مقاله نشان‌دهنده بهبود تغییر دیدگاه عربستان نسبت به شورای حقوق بشر بوده و نویسنده به این نتیجه رسیده که بعد از شکل‌گیری شورای حقوق بشر، عربستان تلاش نموده تا با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر نزدیک و پایبندی به تعهدات را در دستور کار خود قرار دهد.

## ۲- مبانی نظری: نظریه سازه‌انگاری

اندیشه‌هایی که در باب حقوق بشر به چشم می‌خورد بسیار متنوع و از ادبیات گوناگونی بهره جسته و در گستره حقوق، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی جایگاه برتری دارد. سازه‌انگاران از جمله متفکرانی هستند که در رابطه با موضوع حقوق بشر و هنجارهای مرتبط با آن سخن گفته‌اند در ادامه به توضیح اجمالی مبانی نظری این رویکرد در ارتباط با موضوع پژوهش می‌پردازیم.

نظریه‌پردازان سازه‌انگاری به نقش مستقل انگارها و هنجارها در سامانه بین‌المللی و همچنین در جهت‌گیری رفتارها و منافع کنشگران بین‌المللی را با توجه به مبانی هنجاری حقوق بشری تأکید می‌کنند. سازه‌انگاران معتقدند که انگارها و هنجارها باعث تغییر نظم جهانی و جامعه بین‌المللی می‌شوند. چون هنجارها، قواعد رفتاری میان کنشگران را مشخص می‌کنند و نوعی از ویژگی رفتاری را بازتاب می‌دهند که به کمک آن می‌توانمعیارها و گروه‌بندی دولت‌ها را بشناسیم؛ لذا به وسیله این نوع هنجار می‌توانیم تفاوت اصول و قواعد میان کنشگران بین‌المللی را درک نماییم

<sup>1</sup>. Katy Clark

<sup>2</sup>. AL-Wasil

(Cochram, 1999: 88-89).

سازمانگاران معتقدند که هنجارهای حقوق بشر توسط ابر قدرت‌ها و تمامی بازیگرانی که دولتی نیستند، نهادینه و درونی شده‌اند. نظریه اجتماعی کردن، که توسط سازمانگاران پذیرفته شده است، خاطر نشان می‌کند که از طریق تلاش کنشگران، هنجارها و قوانین به شکلی اجتماعی و درونی شکل می‌گیرند. باور سازمانگاران این است که بمنظور رسمی کردن هنجارهایی مانند حقوق بشر، بایستی میان دو سطح حوزه داخلی و بین‌المللی ارتباطاتی برقرار شود. در این مسیر، سازمان‌هایی که جزء سازمان‌های دولتی نیستند، نهادهای مذهبی، سازمان‌های دولتی - بین‌المللی، رسانه‌ها، بنیادها و دیگر نهادها می‌توانند اقدامات لازم را انجام دهند. این اقدام، برای گسترش فضای داخلی جامعه مدنی و حمایت از فرایند اجتماعی کردن و نهادینه کردن هنجار حقوق بشر، بسیار مفید و مؤثر است (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۶۹)؛ (Mosfa and Ebrahimi, 2008: 269).

از نظر سازمانگاران هنجارهای ملی و فراملی مهم‌ترین عامل و متغیر مستقلی هستند که رفتار حقوق بشری کشورها را تعیین می‌کنند. عامل مشخص کننده و رفتارهای یک کشور در سطح خارجی و از طرفی عامل تفاوت رفتاری آن در سطوح بین‌المللی، هنجارهای فراملی هستند. بنابراین در حوزه حقوق بشر، سازمانگاران به چگونگی بر ساخته شدن ارزش‌های حقوق بشری و تاثیر تحلیل بینادهنی بر نظریه پردازی راجب موضوعات حقوق بشری می‌پردازند (ذاکریان و مختاری، ۱۳۹۳: ۶۵)؛ (Zhakarian, 2013: 65). از نظر سازمانگاران، امروزه رعایت حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، به مشروعیت بیشتر یک دولت در جامعه جهانی معنا می‌بخشد در این راستا اگر کشوری در برابر هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی مقاومت کند، مشروعیت خود را زیر سؤال می‌برد.

### ۳- تاریخچه

مبحث حقوق بشر در اسلام و جهان یکی از مهمترین مقوله‌هایی است که اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان در مورد آن قلم فرسایی بسیاری نموده و آراء و نظرات متفاوت و گاه متعارض، در این خصوص مکتوب گردیده است. در این بین از زمان شروع نگارش اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین و سایر اسناد حقوق بشری نقش، مواضع و دیدگاه‌های کشورهای اسلامی شاید بیشتر و حتی جلوتر مورد مداخله بوده است. عده‌ای از اندیشمندان به خصوص اندیشمندان غربی اعتقاد دارند که کشورهای مسلمان در روند تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین نقش فعالی را ایفا نموده و عده‌ای نیز بر عدم ایفای نقش کشورهای اسلامی در این زمینه معتقدند. در این میان برخی نیز به ایفای نقش کم‌رنگ این کشورها در روند شکل‌گیری این اسناد مهم حقوق بشری اعتقاد دارند (جاویدومکرمی، ۱۳۹۱: ۵۲)؛ (Javid & umkarmi, 2011: 52).

در خصوص تفاوت‌های راهبردی که در دیدگاه و رویکرد ایران در مقایسه با نظام حاکم و جامعه عربستان سعودی نسبت به مقبولیت جهان‌شمولی حقوق بشر و تطبیق سازمانگاران سیاست و خط مشی این دو کشور نسبت به موضوع، تفاوت در مذاهب مورد پیروی در این دو کشور به

صورت جدی باعث بروز این افتراق می‌باشد، توضیح این که با توجه وجود مساله "اجتهاد" در مذهب شیعه می‌توان به تطبیق احکام حکومت اسلامی شیعی با قواعد بنیادین حقوق بشر امیدوار بود، این در حالی است که در اهل تسنن و استنباط احکام آن جایگاهی برای اجتهاد متصور نیست. لذا دو کشور ایران و عربستان سعودی، کشوری اسلامی هستند و در فضای بین‌الملل و ساختار حقوق بشری آن، تفاوت‌هایی در نوع نگاه آن‌ها به حقوق بشر با توجه به مبانی اسلامی وجود دارد؛ بنابراین این مسئله باعث شده است که برای هر دو کشور در سازمان‌های مختلف بین‌المللی و به خصوص سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر تضادهایی نسبت به آن چه در جامعه بین‌المللی به عنوان عرف پذیرفته شده است، به وجود بیاید.

#### ۴- تطبیق رویکرد ایران و عربستان به حقوق بشر: اشتراکات و افتراقات

##### ۴-۱- نگاه جمهوری اسلامی ایران به مسئله حقوق بشر

قبل از انقلاب اسلامی، دولت ایران، بدون هیچ قید و شرطی، مهم‌ترین میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی را به امضاء و تایید مجلس رسانده بود. به دنبال آن، نهادهای حقوق بشری مبتنی بر این قضیه که تمام تعهدات دولت پیشین به دولت جمهوری اسلامی منتقل شده، به مطالعه وضعیت حقوق بشر پس از تثبیت جمهوری اسلامی پرداختند.

دولت موقت در اولین اقدام خود در احترام به همکاری‌های بین‌المللی، تضمین امنیت و تعمیق روابط خود با سایر کشورها با قطع روابط با رژیم آپارتاید پایبندی خویش را از حقوق بشر در برابر کشورهای آفریقایی، اروپایی و عرب منطقه نشان داد و از این رو با استقبال گرم آن‌ها روبرو شد و کمیسیون حقوق بشر با طرح قطعنامه‌ای از ایران تقدیر کرد؛ از طرفی این روند به دلایلی چون راهبرد انقلابی در داخل، به وجود آمدن معیارهای جدید در سیاست خارجه و تبلیغات سوء کشورهای غربی به دلیل تحولات سیاسی و به بهانه نقض حقوق بشر کم و به تدریج اثرات مثبت و کارآمد خود را از دست داد و دولت‌های غربی در واکنش به آنچه را که به عنوان نقض حقوق بشر در ایران می‌نامیدند تلاش وسیعی برای تضعیف اعتبارات ایران انجام دادند و روابط طرفین به شدت تیره شد و در حالی که بی‌اعتمادی متقابل بر همه تعاملات حقوق بشری سایه افکنده بود، کمیسیون حقوق بشر و دیگر کمیته‌های فرعی نخستین قطعنامه را در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران در سال ۱۹۸۲ به تصویب رساند و از این سال به بعد تقریباً هر سال براساس گزارش نماینده ویژه که عموماً جنبه منفی آن غلبه داشت و نیز گزارش‌های دیگر، قطعنامه‌هایی علیه ایران در خصوص تداوم نقض گسترده حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب می‌رسید (طالبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۵)؛ (Talebi et al., 2015: 185).

پس از آن به دنبال تحولات سیاسی داخلی ایران و اعلام سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی و دکتترین گفتگوی تمدن‌ها و برقراری قانون و اجرای اصول قانون اساسی به ویژه اصول مربوط به حقوق و آزادی‌های عمومی، روابط ایران و سازمان ملل متحد به نحوه گسترده‌ای افزایش و بهبود یافت و در سال ۲۰۰۲ برای اولین بار کمیسیون حقوق بشر ایران را متهم به نقض حقوق بشر نکرد و

ایران پس از ۱۸ سال از نظارت ویژه کمیسیون خارج شد. دلیل این امر را باید در کارکرد مثبت مجموعه حاکمیتی در رابطه با رعایت مقررات منطبق با انتظارات کمیسیون حقوق بشر یاد کرد. این دولت با تقویت سیاست اعتماد سازی، اتخاذ سیاست‌های همکاری جویانه و اهتمام به نقش سازمان‌های غیر دولتی توانسته بود تهدیدها را به فرصت تبدیل نموده و بنای همکاری با این نهادها را در دستور کار قرار دهد.

اما تلقی محدود و سنتی دولت بعد، از حقوق بشر و اعتقاد به اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها مجدداً زمینه‌ساز مشکلات بعدی را در ارتباط ایران و جامعه بین‌المللی به خصوص باشورای حقوق بشر ایجاد کرد که منجر به واگرایی سیاسی شد. رأی ممتنع ایران به شورای حقوق بشر در برابر ۱۷۰ رأی مثبت ابهامات زیادی را ایجاد و کشورهای عضو را با یک سؤال جدی مواجه کرد که آیا ایران در حال حاضر در چارچوب همین اختلافات با شورا همکاری خواهد کرد؟ در این دوره باز تعریف جدیدی از غرب ارائه شد (سنایی، ۱۳۹۳: ۱۵۸)؛ (Senai, 2013: 158). جمع بندی از عملکرد غرب با ایران بر سر حقوق بشر آن شد که کشورهای غربی بیش از آن که در فکر حل مساله حقوق بشر یا در پی تنش زدایی و هم زیستی باشند، در صدد تمکین و تسلیم ایران بر آمدند. این نتیجه گیری باعث شد که ایران سیاست تقابلی در برابر غرب در پیش بگیرد. از طرف دیگر این مواجهه جویی موجب شد تا آمریکا حمایت اروپا و بعضی از کشورها را در پرونده حقوق بشر ایران به دست آورد و در کنار تحریم‌های متعدد قطعنامه‌های مختلف علیه کشور را به تصویب برساند. با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید مناسبات ایران با غرب وارد فاز جدیدی شد. برنامه‌های ارائه شده این دولت در عرصه سیاست خارجی و حقوق بشر مورد استقبال کشورها و مجامع بین‌المللی قرار گرفت و دولت کوشید تا برای پیگیری منافع متصور سیاسی، راهبردی و اقتصادی، رهیافت آشتی جویانه و سازنده‌تر نسبت به سیاست گذاری و رابطه سازی داخل و خارج در سطح بین‌المللی ارائه کند (طالبی و شیرازی، ۱۴۰۰: ۱۱۹)؛ (Talabi and Shirazi, 2021: 119).

این تصمیم به نوعی اعتبار دهی به تمایل عمومی برای تغییر و پایان دادن به سیاست تقابلی گذشته بود که به نظر می‌رسید نوید بخش گشایش فصل تازه و امیدوار کننده در روابط بین‌الملل ایران باشد. سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی پیگیری‌های حقوق شهروندی توسط رئیس‌جمهور را امیدوار کننده توصیف کرد. دبیر ستاد حقوق بشر از پیشنهاد غرب برای گفتگوهای حقوق بشری با ایران خبر داد (روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۵)؛ (Farhikhtegan News Paper, 2016). در همین راستا قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران برای مذاکرات دوجانبه با اتحادیه اروپایی اعلام آمادگی کرد (فرجی راد، ۱۳۹۴)؛ (Farji Rad, 2015). به نظر می‌رسد در روند جدیدی که در روابط ایران با غرب بر سر حقوق بشر آغاز شده، سطح گفتگوها از انتقادی به سمت گفتگوی سازنده و جامع تغییر یافت. رویکرد جدید دولت به حقوق بشر باعث شده که اتحادیه اروپا راه را برای توسعه روابط با سایر کشورها باز نماید به همین جهت اعلام کرده‌اند آماده حمایت از ایران جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی را دارند.

بمنظور عملی کردن فرضیه این پژوهش، ابتدا با بررسی منابع بین‌الذهنی قوام دهنده به هویت جمهوری اسلامی ایران، نوع این هویت را به عنوان یک «هویت انقلابی اسلامی» تعریف نمودیم؛ بنابراین، دولت‌ها با هویت‌های مختلف، منافع و ارزش‌های متفاوتی را در حوزه نظام بین‌المللی به ارمغان می‌آورند و تغییر در این منافع و ارزش‌ها، به تغییر در هویت دولت‌ها نیازمند است. با توجه به این دیدگاه، دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر، مطابق با ارزش‌ها و قوانینی که به هویتش قوام می‌دهد، منافع خاصی را به خود اختصاص می‌دهد. بر اساس بررسی‌های انجام شده، رعایت حقوق بشر اسلامی، به عنوان مهم‌ترین منفعی که دولت ایران برای خود تعریف کرده است، شناخته شده است. به همین دلیل، سیاست دولت ایران به سمت عدم توافق با تقاضاهای بیرونی و عدم مصالحه، در نظر گرفته شده است و همین مسئله در واقع اثبات فرضیه مد نظر این رساله است که جهان‌شمولی حقوق بشر با وجود اهمیت آن به لحاظ حقوقی، سیاسی و امنیتی، هنوز نتوانسته است جایگاه مؤثری را در راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. چرا که همان‌طور که به صورت مفصل بیان شد، راهبرد کلان سیاست جمهوری اسلامی ایران علیرغم وجود گفتمان‌های مختلف در کشور، طبق این تحلیل هویتی در بیرون و بر اساس حقوق بشر غربی سازش‌ناپذیر است و همین مسئله نهایتاً باعث شده است که در سیاست خارجی و عرصه بین‌المللی نیز نتوانیم به آن چیزی که مد نظر مسئولین جمهوری اسلامی ایران است برسیم.

در واقع بنا بر آن چه که گفته شد، سیاست سازش‌ناپذیر جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک کنشگر اجتماعی، توجیه و تبیین فعالیت‌ها بر اساس هویت، ارزش‌ها و اصول قوام دهنده یک کشور، انجام می‌شود. ایران در این حوزه، رفتار خود را بر اساس منطق زیبایی و تناسب، به جای منطق مبتنی بر نتیجه، شکل می‌دهد.

#### ۴-۲- نگاه عربستان سعودی به مسئله حقوق بشر

عربستان سعودی سابقه ضعفی در دموکراسی و حقوق بشر، به ویژه در رابطه با زنان دارد. در واقع، عربستان سعودی یکی از بدترین رکوردهای اعدام در جهان را داشته است بطوری که بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۳ بیش از ۲۰۰۰ نفر اعدام شدند. واحد اطلاعات اکنومیستدر سال ۲۰۱۴ با توجه به شاخص دموکراسی عربستان، این کشور را به عنوان پنجمین دولت مستبد جهان معرفی کرده است. عربستان سعودی در این شاخص برابر با برمه و حتی پایین‌تر از ایران قرار دارد. با این حال، دولت تلاش بسیاری برای حل این موضوع و موجه دانستن این رویکرد متناقض در قبال حقوق بشر داشته است (Clark, 2014: 4).

در طول تاریخ عربستان سعودی به اشکال مختلفی تحت هر شرایطی سازمان‌های جامعه مدنی ظهور کرده به منظور اقدام عمومی و همکاری عمومی، اما نهادهای دولتی مدرن و سنتی که دارای یک رویکرد مدیریتی متمرکز بودند مانع پیشرفت این نهادها شدند. اگر چه سازمان‌های جامعه مدنی در عربستان وجود دارد اما بیش از نیمی از این مؤسسات خیریه هستند و بسیاری وابسته به دولت هستند، جامعه مدنی توسعه نیافته است چون در یک چارچوب قانونی محدود با اجرای خود خواهانه که اجازه می‌دهد برخی از سازمان‌ها تشکیل شود اما برخی دیگر نه قرار گرفته است حتی

آن سازمان‌هایی که ثبت نام شدند روند اجرایی آن‌ها چند سال طول می‌کشند. یکی از چالش‌های سیاسی و مشروعیتی حکومت عربستان، نارضایتی اعضای این طبقه نسبت به نقض حقوق بشری و آزادی‌های اساسی بوده است و وجود چهار هزار سند رسمی در ارتباط با نقض حقوق بشر و فساد مقامات آل سعود در عربستان و سرکوب خشونت‌بار شیعیان و گروه‌های مدنی در چند دهه اخیر مصداق‌های بارز سرکوبگری و نقض حقوق بشر بوده است. مسئله‌ی تبعیض علیه اقلیت‌های دینی مانند شیعیان در همین راستا است. جامعه‌ی انحصارطلب و تمامیت‌خواه عربستان سبب شده که فقط عقاید خود را پذیرا هستند و نه تنها سایر مسالک مذهبی را نمی‌پذیرند بلکه شرک‌آمیز نیز تلقی می‌کنند، لذا آزادی‌های سیاسی در قالب اعتراضات طبقه متوسط و گروه‌های اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد (مجیدی و طاهری، ۱۳۹۱: ۶۹)؛ (Majidi and Taheri, 2022: 69).

در سپتامبر سال ۲۰۱۵ در هنگامه سفر باراک اوباما به عربستان کریس تو قدلوار دبیر کل سازمان گزارشگران بدون مرز جایگاه عربستان را در میان ۱۸۰ کشور در راستای رتبه بندی جهانی آزادی بیان ۱۶۴ اعلام کرد و همچنین طبق داده‌های آماری موجود، عربستان تابحال جزو کشورهای دموکراتیک نبوده است. در تقسیم بندی آماری تحقیقاتی معتبر، نمره ۱ گویای حکومت قانون و استثنا بودن وجود زندان‌های سیاسی و نمره ۲ معرف حکومت قانون با کمترین زندانیان سیاسی و نمره ۳ معرف تعداد بالای زندان‌های سیاسی و... عربستان با داشتن نمره ۳ جزو کشورهای برخوردار از زندان‌های سیاسی گسترده است (سردارنیا، ۱۳۸۹: ۸۰)؛ (Sardarnia, 2009: 80).

علیرغم تأسیس شورای مشورتی و توافق با شیعیان، تنش‌های سیاسی و اجتماعی در عربستان هنوز پایان نیافته‌اند. کمیته دفاع از حقوق بشر، در ماه می ۱۹۹۳ توسط روحانیون اسلام‌گرا و چندین تن از دانشگاهیان برجسته، تشکیل شد. این کمیته که اولین سازمان اپوزیسیون داخلی در عربستان بود، به صورت واضح نظام پادشاهی عربستان را به چالش کشید. اعضای این کمیته، دولت و علمای طراز اول را به اتهام عدم تلاش کافی برای حفاظت از حقوق امت اسلامی متهم کردند. با استفاده از رسانه‌های جدید داخل عربستان و بعداً از لندن، اعضای این کمیته، مشروعیت رژیم عربستان را به چالش کشیدند. در واقع، توافق میان حاکمان و دستگاه مذهبی، مورد رضایت این کمیته نبود. در سپتامبر ۱۹۹۴، دو تن به نام سلمان العودا و سفر الحوالی که از جمله رهبران این کمیته بودند، به همراه شمار زیادی از طرفدارانشان، در شهر بوری ده دستگیر شدند و دولت عربستان به شدت به این اقدام واکنش نشان داد (Christian, 2008: 244).

در برابر رویکرد سازمان‌های جامعه مدنی و حقوق بشر، عربستان سعودی انعطاف قابل توجهی ندارد و همزمان با مبارزه علیه افراط‌گرایی که دولت را به انحراف از مسیر اسلام متهم می‌کند، نمی‌تواند روابط خود را با نیروهای مذهبی به خطر بیندازد. این نیروها مشروعیت رژیم را توجیه می‌کنند و اکثریت جامعه محافظه‌کار عربستانی از آن‌ها حمایت می‌کنند. به نظر می‌رسد که نیروهای مذهبی شدیداً مخالف برخی اصلاحات، به ویژه گفتگو با گروه‌های مختلف مدنی و حقوق بشری

هستند و جنبش‌های داخلی، به اندازه کافی برای اجرای تغییرات گسترده و تأثیرگذار، تحت فشارهای خارجی، تقویت نشده‌اند (Christian, 2008: 246).

از سوی دیگر، پادشاه، مقام اجرایی و نظارتی به رعایت مقررات اسلامی و شریعت موظف هستند. یعنی پادشاه که قدرتی مطلقه در عربستان دارد تنها یک محدودیت دارد و آن مطابقت با شریعت اسلام است. چون عربستان فاقد قوانین موسع و جامع است، و قضات هم مکلف به مراجعه به شریعت اسلامی شده‌اند. در واقع حقوق بشر در نگاه نخست، مفهومی منفی در ساختار سیاسی و قضایی عربستان است. از دیدگاه این کشور حقوق بشر به معنای نقد وضعیت کنونی و نپذیرفتن هنجارها و ارزش‌های یک جامعه سنتی است. در واقع اقلیت در نظام سیاسی و حقوقی عربستان، مفهومی تهدید آفرین است. جامعه عربستان سپهری برای خودنمایی اقلیت‌های زبانی و دینی نگذاشته است چون جامعه عربستان از نژاد سامی، عربی و دین اسلام است (عالیپور و یکرنگی، ۱۳۹۵: ۶۵)؛ (Alipour and Yakrangi, 2016: 65). طبیعی است که در چنین وضعیتی، تحول در حقوق بشر صورت نگرفته و ایستگاه حاکمیت خط قرمزی است که نمی‌توان فراتر از آن اندیشید و برای رعایت دموکراسی و پشتیبانی از حقوق بشر، ساختارسازی نمود.

طبیعی است که در چنین وضعیتی، تحول در حقوق بشر صورت نگرفته و ایستگاه حاکمیت خط قرمزی است که نمی‌توان فراتر از آن اندیشید و برای رعایت دموکراسی و پشتیبانی از حقوق بشر، ساختار سازی نمود. نخبه‌گرایی مستبدانه در عربستان، موجب سلب توانایی تفکر فعال، سیاست پویا، اجرای دموکراتیک، اقتصاد آزاد و همچنین سازمان‌های حقوق بشر و جامعه مدنی از شهروندان شده است. در عربستان، نخبه‌گرایی مستبدانه به گونه‌ای عمیق، روابط فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و باعث پیوندهای فامیلی، صنفی و مقامی، برتری در شایستگی‌های فکری، اجرایی و مدیریتی شده است. این فرآیند، با توجه به پیشینه سیاسی خلاف، تضعیف شایسته محوری در عربستان را به دنبال داشته است. به عبارت دیگر، نخبه‌گرایی مستبد، شهروندان عربستان را از شایستگی‌هایی که برای داشتن یک جامعه پویا و دموکراتیک و سازمان‌های حقوق بشر و جامعه مدنی لازم است، محروم کرده است (ذاکریان، ۱۳۸۴، ۵۰)؛ (Zhakarian, 2004, 50).

تحت تأثیر چنین فرآیندی قدرت سیاسی را به دست آوردند و بعد حرکت‌های مردمی و مدنی و آزادی محور را به چالش کشیدند و راه را برای نصب و عزل یا کنترل حاکمیت از سوی نهادهای مدنی بستند و راه را برای حاکمیت عده‌ای خاص گشودند که در نهایت بر دامنه نخبه‌گرایی مستبد افزوده شد، نخبه‌گرایی که طی تاریخ عربستان، ویژگی آریستوکراتیک کسب نموده و به همین دلیل از پذیرش تحولات حقوق بشری و سازمان‌های حقوق بشری باز می‌ماند، حال آن که مؤلفه دین اسلام که در عربستان مهم‌ترین رکن مشروعیت حکومت است به معنای «سلیم» و «صلح» است، با تسلیم به خواسته‌ها و قوانین خدا، صلح و آرامش درونی و خدایی بوجود می‌آید و افراد می‌توانند در مواجهه با خدا، حقوق بشر را به دست آورند. در واقع، برای مسلمانان شریعت اسلامی، منشا و نو منبع ایجابی حقوق بشر است. با این رویکرد، نخبه‌گرایی مستبد در عربستان، که در بیشتر زمان‌ها حالت آریستوکراتیک به خود می‌گیرد، به حاشیه رانده شده و به مبارزه با دیکتاتوری پرداخته

می‌شود (ذاکریان، ۱۳۸۴، ۵۱)؛ (Zhakarian, 2004, 51).

در راستای چگونگی ضعف جامعه مدنی و در نهایت تأثیر آن بر عدم کارایی سازمان‌های حقوق بشری در عربستان باید به آن اشاره داشت بعد اقتصادی این کشور است، اقتصاد نفتی و تسلط حکومت و خاندان آل سعود بر درآمدهای نفتی مانع التزام و احساس نیاز حکومت به مالیات بخش خصوصی که این خود شاکله اصلی رشد جامعه مدنی را تشکیل می‌دهد از یک سو تداوم انحصار حکومت در اقتصاد و اقتصاد عمدتاً دولتی از سوی دیگر شده است، بنابراین این شرایط باعث گسترش طبقه بورژوازی یا بازار سنتی کمپرادور وابسته به حکومت و درآمدهای نفتی آن بوده است و این شرایط باعث عدم ائتلاف بین طبقات مستقل با گروه‌های اجتماعی و گروه‌های مدنی و استمرار اقتدارگرایی بوده است (سردارنیا، ۱۳۸۴: ۹۳)؛ (Sardarnia, 2004: 93).

در صورتی که بخواهیم در اینجا به مؤلفه‌های هویتی مهم عربستان سعودی که با حقوق بشر و جهانیت در تضاد است، اشاره کنیم، می‌توان به سه عامل اصلی که در دولت و حکومت عربستان به چشم می‌خورند، اشاره کرد: ۱- نژادوزبان؛ ۲- مذهب؛ و ۳- ساختار سیاسی.

در اینجا مهم‌ترین این موارد یعنی ساختار سیاسی عربستان سعودی بر مبنای نظریه سازه‌انگاری و مسئله حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از مؤلفه‌های شناختی دولت‌ها، نوع نظام سیاسی آن‌ها است که بدون شک تأثیر زیادی در سیاست خارجی آن‌ها دارد. با توجه به بررسی ساختار نظام سیاسی عربستان سعودی، به وضوح می‌رسد که ساختار قدرت در این کشور، در تضاد با اصول و قواعد حقوق بشر قرار دارد و باعث شکل‌گیری یک هویت نامناسب می‌شود. برای بهترین بررسی موضوع، به خلاصه‌ای از ساختار سیاسی نظام سیاسی آل سعود اشاره می‌شود که در سال ۱۹۲۰، عبدالعزیز بن عبدالرحمن، ملقب به ابن سعود، با اقدامی اسطوره‌ای در سن بیست سالگی، موفق شد شهر ریاض را تصرف کرده و سلطنت عربستان سعودی را بنیان نهاد (مشایخ فریدونی، ۱۳۶۸: ۵۱)؛ (Mashaikh Fereydoni, 1989: 51). حکومت مدرن در عربستان، در سال ۱۹۰۲ شکل گرفت و پایه و اساس آن حکومت مطلق به دست خاندان آل سعود است (Zamani, 2010: 83).

ساختار رژیم سیاسی عربستان، با ترکیب اصول مذهب حنبلی و عقاید وهابیت، ساختار جدیدی را ایجاد کرده است که بافت نظام قبیله‌ای و نظام پادشاهی را به خود اختصاص داده و با آنان همخوانی زیادی دارد (اشلفی، عباسی، ۱۳۹۰: ۴۸۵)؛ (Ashlafi, Abbasi, 2011: 485) حاکمان عربستان با استفاده از تفکر وهابیت به انسجام و نظم ساختار سیاسی این کشور می‌پردازند. حاکمیت خاندان پادشاهی و وهابیت در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی این کشور سبب شده تا ساختار سیاسی آن فاقد مشارکت شهروندان در مقولات سیاسی و داخلی کشور شود. از این رو، انگاره‌های هویتی در ایجاد و تداوم حکومت سیاسی عربستان نقش ایفا می‌کند. در واقع ساختار هویتی عربستان متشکل از ارکان هویتی: وهابیت، قبیله‌محوری، عربیت و رانت با درآمد نفتی می‌باشد که مهم‌ترین رکن هویتی آن، وهابیت است. به عبارتی پایه‌های مشروعیت حکومت عربستان بر وهابیت استوار است و

پادشاه آن را نماینده خدا، حامی اسلام و مدافع حاکمیت معرفی نموده و اطاعت از آن را واجب دانسته است (مجیدی و طاهری، ۱۴۰۱: ۴۵)؛ (Majidi and Taheri, 2022: 45). بنابراین با توجه به حکومت پادشاهی عربستان که حرف نهایی را خاندان سعودی می‌زنند نباید در این کشور انتظار رعایت حقوق بشر داشت چون دولت برای حفظ قدرت خود از زور و نهادهای اداری ویژه همچون گارد ملی استفاده می‌کند. اقتدار رژیم عربستان به دلیل دسترسی به نفت تقویت شده و جامعه عربستان با خصوصیات نظیر قبیله‌گرایی و حاکمیت فراگیر وهابی جزو جوامع بسته و محافظه‌کار سنتی به شمار می‌رود. از این رو، از تقاضاهای جامعه مدنی برای انجام تغییرات اجتماعی، سیاسی و ساختاری چشم‌پوشی می‌شود (کرمی، ۱۳۹۰: ۸۱)؛ (Karami, 2011: 81).

مقامات عربستان سعودی به کسانی که برای حقوق دموکراتیک یا تغییرات سیاسی فشار می‌آورند با اقدامات سرکوبگرانه واکنش نشان می‌دهند. سازمان‌های مستقل حقوق بشر ممنوع هستند (Clark, 2014: 5). برخورد سختگیرانه دولت عربستان با آزادی مدنی و عدم وجود سابقه فعالیت احزاب در این کشور موجب شده است تا تا نیروهای حزبی قدرتمند مخالف یا موافق در این کشور شکل نگیرند (محسنی و احمدیان، ۱۴۰۰: ۱۳۲)؛ (Mohsani and Ahmadian, 2021: 132). سرکوب داخلی مخالفان سیاسی توسط بن سلمان در جهت مخالفت با آزادی بیان و دموکراسی سبب شده تا دولت عربستان به تقویت ارتش و پلیس پردازد (زارعی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۱)؛ (Zarei et al., 2022: 131).

کنترل حوزه فرهنگی و اجتماعی جامعه عربستان توسط وهابیت اداره می‌شود؛ بطوری که، نظام حقوقی مانند محاکم شرع و دادگاه‌ها و نظام آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌ها و نهادها توسط علمای وهابی اداره می‌شود (احمدیان، ۱۴۰۰)؛ (Ahmadian, 2021). از این رو، هر اندیشه‌ای به جز وهابیت به راحتی نمی‌تواند در نظام سیاسی عربستان نفوذ کند دولت سعودی با دقت فراوان در انتخاب مسئولان دینی، سیاسی و اقتصادی کشور، تلاش می‌کند تا افرادی که مخالف سیاست‌های آل سعود هستند، فرصت فعالیت پیدا نکنند. فعالیت‌های فرهنگی، رادیویی و تلویزیونی برای مردم، آزاد نیست و تمامی آن‌ها از طیف زمانی اظهار نظر مطبوعاتی و رسانه‌ای ممنوع شده‌اند. ورود نشریات خارجی به دلیل انتقاد از برنامه‌های حکومتی سعودی منع شده است و اعضای حاکم بر کشور، که همگی از خاندان سعودی و وابستگان آن‌ها هستند، به شدت بر روی برنامه‌ها ناظر هستند (جعفری، ۱۳۸۶: ۴۷-۴۶)؛ (Jaafari, 2006: 46-47). با توجه به مطالب ذکر شده کاملاً عیان است که بر طبق نظریه سازه‌انگاری، ساختار سیاسی بسته عربستان سعودی و حکومت پادشاهی آن، اجازه فعالیت نهادهای حقوق بشری را به طور کامل نمی‌دهد و اصلاحات حقوق بشری در این کشور نادیده انگاشته می‌شود.

#### ۴-۳- اشتراکات نگاه ایران و عربستان به حقوق بشر

یکم، هر دو کشور جهان شمولی حقوق بشر را در تعارض با تنوع مذهبی، قومی و فرهنگی می‌دانند و معتقدند نظام بین‌المللی حقوق بشر سرشتی غرب‌گرایانه دارد و با آموزه‌های دینی سازگار نیست.

دوم، هردو کشور با توجه به تعریف یکه از انسان و غایت آن دارند، مفاد اعلامیه را تمام و کمال با قوانین داخلی تطبیق ندادند.

سوم، هردو کشور اعتقاد دارند که برابری جنسیتی زن و مرد قابلیت و ظرفیت پیاده شدن در جوامع اسلامی را ندارد، قوانین مندرج در ادیان الهی با سرشت بشر سازگارتر است. چهارم، دو کشور پادمان کافی برای ضمانت اعمال مجازات اعدام برای مجرمین زیر ۱۸ سال ندارند در ایران کانون‌های اصلاح و تربیت و شکل‌گیری قوانین ترمیمی به جای قوانین تنبیهی یا مجازات جایگزین شرایط بهتری نسبت به عربستان دارد (گزارشگر ویژه حقوق کودکان در دیداری در تهران اعلام کرد بسیاری از فعالیت‌های ایران را به عنوان مدل به جهانیان معرفی خواهد کرد).

پنجم، هر دو کشور به شاخصه‌ها و ویژگی‌های ساختاری حقوق بشر را مغایر با قوانین شرعی می‌دانند.

ششم، اگر چه فعالان حقوق بشر در ایران با محدودیت‌هایی روبرو هستند و بین فعالان حقوق بشر و فعالان سیاسی در نقش و کار ویژه تفکیکی صورت نگرفت؛ اما در عربستان مدافعان حقوق بشر با آزار، اذیت، شکنجه و دستگیری‌های فرا قانونی روبرو هستند.

هفتم، هردو کشور تغییر عقیده بر اساس ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را مغایر با قوانین شرعی می‌دانند.

هشتم، پایین بودن سهم مشارکت زنان در مدیریت اداره جامعه (البته دستگاه‌های دولتی در ایران مساله تعریف از رجل سیاسی را در دستور کار قرار داد).

نهم، در هر دو کشور زنان برای ازدواج و مسافرت خارج باید اجازه کتبی از مردان داشته باشند. دهم، ایران به رفتارهای نهادهای حقوق بشر نگاه مداخله آمیز و تعارض گونه دارد، اما عربستان نگاه فرصت محور، همگرا و سعی در پیوستن به نهادهای حقوق بشری دارد.

#### ۴-۴- نگاه ایران و عربستان به حقوق بشر افتراقات

یکم، ایران دارای نظام دادرسی مدون و با سابقه است، اما عربستان فاقد نظام قضایی مدون است. این موضوع دست قضاات را برای صدور حکم و مجازات فعالان سیاسی و مدنی باز گذاشته است. مقامات عربستانی از طریق نظام دادرسی غیر مدون، به عنوان ابزار سیاسی برای ایجاد خفقان استفاده نموده و فعالان مدنی این کشور در معرض پیگرد و اتهامات امنیتی قرار می‌گیرند. نظام قضایی در عربستان سعودی بسیار کمتر از استانداردهای بین‌المللی برای محاکمه عادلانه است. به ندرت به متهمان اجازه وکالت رسمی توسط وکلا داده می‌شود و در بسیاری از موارد از پیشرفت روند دادرسی علیه آنها مطلع نمی‌شوند (Clark, 2014: 3).

دوم، در قوانین ایران جرم و مجرم تعریف شده و در چارچوب قانون صورت می‌گیرد، اما شهروندان عربستانی نسبت به جرائم کیفری بی‌اطلاع می‌باشند. لذا به سادگی در معرض اتهام غیر و دگراندیش قرار می‌گیرند.

سوم، در ایران وضعیت اشتغال زنان از جایگاه مطلوب تری برخوردار است؛ اما در عربستان برای

فعالیت‌های اقتصادی زنان شرایط سخت وجود دارد. طبق آمار گزارشگران بدون مرز میزان اشتغال زنان در عربستان به طور رسمی قبل از فشارهای نهادهای حقوق بشر پنج درصد اعلام شده بود. در سال ۲۰۱۴ دولت عربستان در یک برنامه اصلاحی در جهت تنوع‌بخشی به آموزش و جلوگیری از مهاجرت برای تحصیل به بخش آموزش و پرورش کمک ۸۰ میلیاردی ریالی اختصاص داد اما محدودیت‌ها در کالج‌های دخترانه همواره وجود دارد (Reuters, 2014). در واقع عربستان سابقه ضعیفی در دموکراسی و حقوق بشر، به‌ویژه در رابطه با زنان دارد. و زنان در این جامعه هویت مستقل نداشته و هویت آن‌ها همیشه ذیل قیومیت مردان تعریف شده است.

چهارم، در ایران مجازات خشن و فاقد سازوکارهای قانونی نداریم، اما در عربستان همچنان اصرار در بریدن دست، گوش، بینی و انگشت دارند. گزارشگر ویژه در گزارش سال ۲۰۱۵ تصاویر اعمال خشن و غیر انسانی این دولت را علیه شهروندان به نمایش گذاشته است. آقای نواکدر گزارش سال ۲۰۱۰ خود موارد دستگیری و رفتارهای بی‌رحمانه و غیر انسانی نسبت به شهروندان را شرم آور توصیف کرد.

پنجم، در عربستان ابزار کنترلی برای محدود کردن نیروها در برخورد با شهروندان در قانون وجود ندارد، اما در ایران شش قانون منع شکنجه داریم، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و قانون حقوق شهروندی.

ششم، ایران دارای حقوق شهروندی تدوین شده است، حق و تکلیف شهروندان با دولت تعیین و تعریف شده است، در حالی که در عربستان این حقوق نه تنها تعریف نشده، بلکه به وسیله قوای دولتی شکسته و حریم خصوصی مورد تعرض آن‌ها قرار می‌گیرد (طالبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۰)؛ (Talebi et al., 2015: 200).

## نتیجه‌گیری

مسئله هویت در حقوق بشر در کشورهای ایران و عربستان مسئله‌ای به واقع روشن و آشکار است اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین دو کشور ایران و عربستان سعودی داشته باشیم، کاملاً نوع اقدامات کشور در قبال مسائل حقوق بشری نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران دیدگاهی بسیار منعطف‌تر نسبت به عربستان سعودی در قبال مسائل حقوق بشری داشته و این به دلیل نوع حکومت و نوع جامعه مدنی در این کشورها است. جمهوری اسلامی ایران در طول انقلاب اسلامی ایران، سعی داشته است که علیرغم حفظ چهارچوب اسلامی بودن مسائل حقوق بشری، در اقدامات خود در حوزه بین‌المللی به نوعی به دیدگاه‌های جهانی در این حوزه نزدیک شود که این مسئله به جهان شمولی حقوق بشر در نگاه کلی آن برمیگردد. کنوانسیون‌های مختلفی که ایران در طول دهه‌های اخیر به آن‌ها پیوسته و حتی اقداماتی ابداعی از سوی ایران در حوزه حقوق بشر نمودی از این نزدیکی به نگاه جهانی به حوزه حقوق بشر است؛ اما با این وجود و با همه این فعالیت‌ها، باز دو کشور ایران و عربستان سعودی به دلیل نوع حکومت و دینی که دارند، دیدگاه آن‌ها به مسائل حقوق بشری با

توجه به همین مبانی اسلامی تا حدودی متفاوت است که این مسئله در همه حوزه های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی نمود پیدا کرده است. در واقع نوع نگاه آن‌ها به این مسئله ، نگاهی بر ساخته است که در طول سالیان متمادی ایجاد شده است و این مسئله همان چهارچوب نظری این رساله و نظریه سازه‌انگاری است. چرا که دو کشور ایران و عربستان سعودی با نگاهی داخلی و بر خواسته از دین و مذهب خود ، مسائل حقوق بشری را مورد قضاوت قرار می دهند که این نوع نگاه را می توان نگاهی برخاسته از هویت دو کشور دانست.

## منابع

۱. احمدیان، ح.، محسنی، س. (۱۴۰۰). امکان‌سنجی ژئوپلیتیکی وقوع موج دوم انقلاب‌های عربی در عربستان سعودی و امارات متحده عربی. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک.
۲. احمدیان، ح. (۱۳۹۱). دین و دولت در عربستان سعودی: از دولت وهابی تا وهابیت دولتی. کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقاتی ابرار معاصر تهران.
۳. اشلفی عباسی، م. (۱۳۹۰). منطق رفتار سیاسی و روند اسلامگرایی در جامعه سیاسی عربستان. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵ (۲). ۴۹۸-۴۷۵.
۴. فرهیختگان. (۱۳۹۵). آغاز گفت و گوی حقوق بشری ایران و اتحادیه اروپا. ۱۶ مرداد، ص ۴. در: <https://fdn.ir/page/75773>
۵. جاوید، م. ج.، و مکرمی قرطاول، ی. (۱۳۹۱). نقش کشورهای اسلامی در تدوین و تصویب اسناد جهانی حقوق بشر. فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱ (۱)، ۷۸-۵۱.
۶. جعفری، ر. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی رهیافتی بدیل برای تبیین امنیت اجتماعی. مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۰ (۱۰)، ۲۶-۱۱.
۷. ذاکریان، م. (۱۳۸۴). ایران، خاورمیانه و حقوق بشر آمریکایی، علوم سیاسی. مطالعات منطقه‌ای، ۶ (۴). ۱۸-۱۳.
۸. ذاکریان، م.؛ مختاری، ب. (۱۳۹۴). تحلیل عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سازوکار و رویه‌های ویژه بر افزایش احترام به حقوق بشر. فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ۲ (۳). ۹۲-۶۷.
۹. رستمی، م.؛ فرجی راد، ع.؛ سرور، ر. (۱۳۹۵). سناریوهای محتمل درآینده پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات منطقه عربی. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵ (۱). ۱۰۰-۷۹.
۱۰. سردارنیا، خ. (۱۳۸۸). موانع عدم پیشبرد دموکراسی سازی در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس. مجله مطالعات خاورمیانه، ۱۶ (۳). ۲۳-۵.
۱۱. سردارنیا، خ. (۱۳۸۹). طبقه متوسط جدید و چالش‌های سیاسی حکومت سعودی. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۷ (۳). ۹۶-۷۳.
۱۲. سردارنیا، خ. (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه. تهران: نشر میزان.
۱۳. سنایی، ا. (۱۳۹۳). روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۹ (۲۹). ۱۷۸-۱۴۵.
۱۴. طالبی، ع. ع.؛ شیرازی، ح. ا. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی حقوق بشر در ایران و عربستان. فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۴ (۲۳). ۱۴۱-۱۰۹.
۱۵. طالبی، ع. ع.؛ جلالی، ر.، نیری، ب.، ساجدی، ا. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی وضعیت حقوق بشر در ایران و عربستان با تأکید بر تئوری‌های نوین حاکمیت. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۷ (۲۵). ۱۷۵-۲۰۷.

۱۶. طاهری، م؛ حسن، م. (۱۴۰۱). تحلیل شاخص‌های سیاست‌های هویتی سکولار در عربستان. نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۲(۴). ۱۳۵-۱۶۵.
۱۷. عالیپور، ح؛ یکرنگی، م. (۱۳۹۶). نظام حقوقی و حقوق بشر در عربستان سعودی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۷۵(۱). ۱۸۲-۲۰۸.
۱۸. کرستان، ک. (۱۳۸۷). گرایش‌های سکولاریسم در اندیشه غرب. ترجمه حبیب‌الله بابایی و علی نصرتی، کتاب نقد، شماره ۴۶.
۱۹. کریمی، ک. (۱۳۹۰). بهار عربی و عربستان سعودی: آثار و واکنش‌ها. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۶۶(۳). ۷۹-۹۸.
۲۰. مشایخ فریدونی، م. ح. (۱۳۶۸). آل سعود و عربستان سعودی. مشکوه، شماره ۲۵. ۴۹-۷۸.
۲۱. مصفا، ن؛ ابراهیمی، ن. ا. (۱۳۸۷). جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل. فصلنامه سیاست، ۳۸(۴). ۲۷۷-۲۵۹.

### English References

1. Alwasil, Abdul-Aziz. (2015). *Saudi Arabia's engagement in, and interaction with, the UN human rights*.
2. Clark, K. (2014). Human Rights: Saudi Arabia, available in: <https://hansard.parliament.uk/Commons/2014-06-24/>
3. Cochran molly, (1999). *Normative Theory in International Relations: A Pragmatic Approach*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 88-91.
4. Prokop, M. (2003). Saudi Arabia: the politics of education. *International Affairs*, 79(1), 77-89.
5. Reuters. (2014). *Saudi Arabia approves \$21 bin five-year Education Plan-SPA*. at: <https://www.reuter's.com>
6. Zamani-Farahani, H., Joan C. H. (2010). Islamic tourism and managing tourism development in Islamic societies: the cases of Iran and Saudi Arabia. *International journal of tourism research*, 12(1). 79-89.

### Translated References to English

1. Ahmadian, H. (2012). Religion and government in Saudi Arabia: from the Wahhabi government to the state Wahhabism, book Middle East 9 for Saudi domestic issues. Tehran: Abrar Institute of Contemporary Studies and Research, Tehran. **(In Persian)**.
2. Ahmadian, H., Mohseni, S. (2021). Geopolitical feasibility of the second wave of Arab revolutions in Saudi Arabia and the United Arab Emirates. *International Quarterly Journal of Geopolitics*. **(In Persian)**
3. Alipour, H., Yekrangi, M. (2016). Legal system and human rights in Saudi Arabia.

- Strategic Studies Quarterly, 75(1), 208-182. **(In Persian)**
4. Alwasil, Abdul-Aziz. (2015). Saudi Arabia's engagement in, and interaction with, the UN human rights.
  5. Ashlafi Abbasi, M. (2011). The logic of political behavior and the process of Islamization in Saudi political society", Foreign Policy Quarterly, 25(2), 475-498. **(In Persian)**
  6. Clark, K. (2014). Human Rights: Saudi Arabia, at: <https://hansard.parliament.uk/Commons/2014-06-24/>
  7. Cochran molly, (1999). Normative Theory in International Relations: A Pragmatic Approach. Combridge: Combridge University Press, pp. 88-91.
  8. Jafari, R. (2007). Social capital is an alternative approach to explain social security. Social security studies, -(10), 11-26.
  9. Javed, M. J., Makrami Qartavel, Y. (2011). The role of Islamic countries in drafting and approving international human rights documents. Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies, 1(1), 51-78. **(In Persian)**
  10. Karami, K. (2011). Arab Spring and Saudi Arabia: Effects of Reactions. Middle East Studies Quarterly, 66(3), 79-89. **(In Persian)**
  11. Mashaikh Fereydoni, Mohammad Hossein (1989). Al Saud and Saudi Arabia. Mashkova, No. 25, 49-78. **(In Persian)**
  12. Mosfa, N., Ebrahimi, N.I. (2008). The position of human rights in the theories of international relations. Politics Quarterly, 38(4), 259-277. **(In Persian)**
  13. Musafa, N., Ebrahimi, N. (2007). The Position of Human Rights in International Relations Theories, Politics Quarterly, No. 4. **(In Persian)**
  14. Prokop, M. (2003). Saudi Arabia: the politics of education. International Affairs. 79(1). 77-89.
  15. Reuters. (2014). Saudi Arabia approves \$21 bin five-year Education Plan-SPA Available online: <https://www.reuter's.com>
  16. Rostami, M., Farji Rad, A. R., & Sarwar, R. (2015). Possible scenarios in the future study of foreign relations between Iran and Saudi Arabia based on developments in the Arab region. Political Studies of the Islamic World, 5(1), 79-100. **(In Persian)**
  17. Sardarnia, K. E. (2004). The New Middle Class and the Political Challenges of the Saudi Government. Middle East Studies Quarterly, 17(3), 73-96. **(In Persian)**
  18. Sardarnia, K. (2009). Obstacles to not advancing democratization in the sheikhdoms of the Persian Gulf. Journal of Middle East Studies, 16(3), 5-23. **(In Persian)**
  19. Sardarnia, Kh. (2013). An introduction to political sociology of the Middle East. Tehran:

Neshar Mizan. **(In Persian)**

20. Senai, Ardeshir (2013). Iran and European Union relations after the 11th government took office. *International Relations Research Journal*, 9(29), 145-178. **(In Persian)**.
21. Taheri, M., Majidi, H. (2022). Analysis of indicators of secular identity politics in Saudi Arabia. *Journal of Islamic World Political Research*, 12(4), 135-165. **(In Persian)**
22. Talebi, A. A., Jalali, R., Niri, B., & Sajdi, A. (2016). Comparative study of human rights situation in Iran and Saudi Arabia with emphasis on new theories of governance. *International Relations Research*, 7(25), 175-207. **(In Persian)**
23. Talebi, A. A., Shirazi, H. A. (2021), Comparative study of human rights in Iran and Saudi Arabia. *Islamic Human Rights Studies Quarterly*, 4 (23), 109--141. **(In Persian)**
24. The beginning of the human rights dialogue between Iran and the European Union (16 August 2015). Farhikhtegan, p. 4 .<http://fdn.ir/page/75773> .
25. Zakarian, M. (2004). Iran, Middle East and American Human Rights. *Political Science, Regional Studies*, 6(4), 13-28. **(In Persian)**
26. Zakarian, M., Mokhtari, B. (2014). Analysis of the performance of the United Nations Human Rights Council in the mechanism and special procedures to increase respect for human rights\ . *International Organizations Quarterly*, 2(3), 67-92. **(In Persian)**
27. Zamani-Farahani, H., Joan C. H. (2010). Islamic tourism and managing tourism development in Islamic societies: the cases of Iran and Saudi Arabia. *International journal of tourism research*, 12(1). 79-89.